خبر روز

ورود راحت دزدان به محوطه بانک ملی

رئیس پلیس آگاهی کشور، جزئیات تازه‌ای را از شگرد دزدان صندوق‌های بانک ملی و دستگیری آنها تشریح کرد.
سردار محمد قنبری در این باره گفت: این سرقت در نوع خود یکی از سرقت‌های پیچیده بود که در ایام تعطیل اتفاق افتاد؛ سارقان حرفه‌ای شامگاه پنجشنبه ۱۲ خرداد با استفاده از در ورودی پارکینگ به داخل بانک وارد می‌شوند و تجهیزات ایمنی بانک را قطع می‌کنند. سپس دریچه متصل به صندوق امانات را با هوابرش تخریب می‌کنند و بعد حدود ۲۵۰ صندوق امانت مردم را مورد دستبرد قرار می‌دهند و از محل خارج می‌شوند.
وی افزود: با این‌که سرقت حرفه‌ای بوده اما ابتدایی‌ترین امکانات ایمنی در ورودی پارکینگ بانک هم رعایت نشده بود. یعنی همین الان به آسانی می‌توانیم از در ورودی وارد شویم و از آنجا که محیطی شلوغ است به سارق پوشش می‌دهد و کسی شک نمی‌کند. در راهرو یک در چوبی بسیار ساده که پشت آن دیوارپوش بوده را باز کرده و سراغ گاوصندوق رفته‌اند. گاوصندوق را هم با هوابرش کوله‌ای بریده‌اند که نشان می‌دهد با توجه به حجم اموالی که نگهداری می‌شد، این مسائل ایمنی باید تقویت می‌شده است.
قنبری خاطرنشان کرد: ما گشتی به عنوان گشت کشیک بانک نداریم. اماکنی مثل بانک یا ادارات دولتی، وظیفه حراست و حفاظتش بر عهده خودشان است. به هر حال ساز و کاری برای حفاظت انجام می‌دهند و ما امنیت عمومی را برقرار می‌کنیم.

قتل ۲ مرد و یک زن
پایان درگیری بر سر چرای دام

لیلا حسین‌زاده
گروه حوادث

نزاع مسلحانه با استفاده از سلاح گرم این بار هم جان عده‌ای را گرفت و باعث زخمی شدن تعداد دیگری شد. در این نزاع که صبح روز جمعه در منطقه داربید سرکشتی دلفان لرستان و به علت ورود تعدادی دام اهلی برای چریدن رخ داد، باعث مرگ دو مرد و یک زن و همین‌طور زخمی شدن چند نفر دیگر از اهالی دو روستا شد که تحقیقات پلیس برای یافتن عاملان متواری این نزاع مسلحانه ادامه دارد.
همه چیز از غروب روز پنجشنبه هفته گذشته آغاز شد که برخی اهالی روستای سرکشتی، دام‌های خود را برای چرا به منطقه داربید بردند. زمین‌های کشاورزی که دام‌ها در آن شروع به چریدن کردند، متعلق به اهالی روستای سفیدخانی بود و چریدن دام‌ها در زمین‌ها باعث شد تا سفیدخانی‌ها به سرکشتی‌ها اعتراض کنند.

قتل زن ۴۰ ساله

یکی از اهالی روستای سرکشتی که مایل به افشای نامش نیست، درباره جزئیات این نزاع مسلحانه به خبرنگار جام‌جم گفت: «من با هر دو طایفه سفیدخانی‌ها و سرکشتی‌ها دوست و رفیق هستم. روز پنجشنبه، وقتی گاوها و گوسفندها وارد زمین سفیدخانی‌ها شدند، سفیدخانی‌ها به سرکشتی‌ها گفتند الان خشکسالی است، ما برای زمین‌های‌مان خیلی زحمت کشیده‌ایم و به جووکاه‌مان نیاز داریم، درست نیست حیوانات شما در منطقه ما چرا کنند. سرکشتی‌ها هم پس از عذرخواهی گفتند درست می‌گویید، پولش را به شما می‌دهیم. خلاصه قبول می‌کنند و غائله آن روز تمام می‌شود. ما جرا به گوش برخی جوانان روستای سرکشتی می‌رسد و آنها هم از روی غرور جوانی و نادانی می‌گویند سفیدخانی‌ها حق نداشته‌اند به ما این‌طور بگویند و شاخ و شانه می‌کشند. روز جمعه دوباره سرکشتی‌ها دام‌های خود را به زمین کشاورزی سفیدخانی‌ها بردند که این بار با هم درگیر شدند.
سرکشتی‌ها ابتدا چند سنگ به سمت سفیدخانی‌ها پرتاب کردند که باعث زخمی و خون‌آلود شدن آنها شد. سفیدخانی‌ها همان حوالی یک سیاه‌چادر داشتند که بعضی اعضای خانواده خود را همراه‌شان آورده بودند. پس از شروع درگیری، یک خانم ۴۰ ساله به نام زینب که اهل روستای سفیدخانی بود، نگران پدر یا برادرش شد و به طرف محل درگیری رفت که ۵۰۰ متر با سیاه‌چادر آنان فاصله داشت. وقتی رسید، شروع به اعتراض کرد که یکی از سرکشتی‌ها، گلوله‌ای به سر او شلیک کرد و آن زن در جا کشته شد.
با قتل زن ۴۰ ساله، سفیدخانی‌ها و سرکشتی‌ها برای هم سنگر بستند و سفیدخانی‌ها به تلافی مرگ آن زن، دو مرد از اهالی روستای سرکشتی به نام‌های صفدر و جعفر را با گلوله کشتند. خبر این درگیری خیلی زود به اهالی روستا و نیروی انتظامی رسید و تا ماموران بیایند، سرکشتی‌ها در سنگرشان بودند. تا جایی‌که اطلاع دارم، از سرکشتی‌ها سه نفر و از سفیدخانی‌ها هم سه نفر زخمی شدند. دو مرد کشته‌شده رفیق صمیمی من بودند، بین ۳۱ تا ۳۴ سال داشتند. پس از درگیری، نیروی انتظامی سیاه‌چادرهای سرکشتی‌ها و سفیدخانی‌ها را جمع‌کرد. الان هم ریش‌سفیدها و بزرگان محل جمع شده‌اند تا با گفت‌وگو، قانون و پلیس مشکل را حل کرده، جلوی درگیری بیشتر و انتقام را بگیرند.»

دستگیری عاملان نزاع مسلحانه در دلفان

سرهنگ فضل‌ا... منصوری، فرمانده انتظامی دلفان در تشریح این خبر گفت: «با اعلام مرکز ۱۱۰ مبنی بر درگیری مسلحانه در منطقه عشایری سرکشتی داربید این شهرستان، بلافاصله تیم‌هایی از یگان امداد، پلیس‌های تخصصی و پاسگاه انتظامی محل به سرپرستی فرماندهی انتظامی دلفان در محل حاضر شدند. پس از تحقیقات مشخص شد دو خانواده عشایری به علت اختلاف بر سر چرای دام، به‌صورت مسلحانه با یکدیگر درگیر و متاسفانه سه نفر از طرفین درگیری شامل یک زن و دو مرد به قتل رسیده‌اند، همین‌طور سه نفر دیگر از ناحیه پا به‌وسیله سلاح گرم مجروح و ۶۰ راس گوسفند نیز تلف شده‌اند. شش نفر از عاملان متواری این نزاع طی چند عملیات دستگیر شدند و دو قبضه سلاح جنگی کلاش و یک قبضه سلاح شکاری از آنان کشف شد. برخی افراد به‌جای تمکین به قانون، با اقدام خودسرانه دست به اقدامات خشونت‌آمیز می‌زنند که باعث بروز حوادث تلخ می‌شود. خط قرمز پلیس و دستگاه قضا، امنیت و آسایش مردم است و هرکس آن را خدشه‌دار کند با برخورد سخت و قاطعانه پلیس و دستگاه قضایی مواجه خواهد شد.»

عدلیه

مرد رستوران‌دار، تنها مظنون قتل پیرمرد پولدار

مرد رستوران‌دار به عنوان مظنون اصلی قتل مرد پولدار و آتش زدن جسد او دستگیر شد.
به گزارش خبرنگار جام‌جم، اواخر فروردین امسال مرد ۷۰ ساله پولداری از خانه‌اش در تهران بیرون رفت و بعد ناپدید شد. در پی ناپدید شدن وی موضوع از سوی خانواده‌اش به اداره چهارم پلیس آگاهی تهران گزارش شد. تحقیقات در این باره ادامه داشت تا این‌که پلیس آگاهی چند روز بعد، از طریق پلیس کرج مطلع شد آنها در بیابان‌های اطراف شهر، جسد سوخته مردی را یافته‌اند. خانواده مرد گمشده با احتمال این‌که ممکن است جسد او باشد به پزشکی قانونی رفته و هویت او را تایید کردند. شواهد نشان می‌داد او با ضربه‌های چاقو زخمی شده و بعد از مرگ، جسدش سوزانده شده است. همچنین معلوم شد چوپانی موقع چرای گوسفندانش جسد را یافته و به پلیس اطلاع داده است. با تحقیقات دوباره از خانواده مقتول معلوم شد بعد از مرگ پدر خانواده از کارت‌های بانکی او مبالغی بیش از ۵۰ میلیون تومان برداشت شده و وی بعد از ملاقات با دوست جوانش ناپدید شده است.
در تحقیقات بعدی پلیس مشخص شد این پول‌ها به حساب همان مرد آشنا واریز شده است. همچنین آخرین بار، همین مرد خودروی مقتول را به پارکینگ خانه‌اش برده و سوئیچ را به سرایدار ساختمان داده بود.
با این سرنخ‌ها او به عنوان مظنون تحت تعقیب قرار گرفت اما ناپدید شده بود. معلوم شد او می‌خواسته از طریق فرودگاه به ترکیه نزد خواهرش برود که با اطلاع از ممنوع‌الخروجی‌اش به خانه یکی از اقوامش در شهرستان سراب رفته و آنجا پنهان شده است.
ماموران راهی این خانه شده و متهم را در آنجا دستگیر کردند. او دیروز برای ادامه تحقیقات به شعبه دوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شد و گفت: صاحب یک رستوران در تهران هستم. سه سال پیش در باشگاه ورزشی با مرد پولدار آشنا شدم. او به رستوران من می‌آمد و این‌گونه با هم رفیق شدیم. بعد هم مراوده مالی پیدا کرده و پول‌هایی که به حسابم واریز کرده، مربوط به همین مراوده‌های مالی است. آخرین روز با هم قرار کاری داشتیم. صبحانه کله‌پاچه خوردیم اما برای من کاری پیش آمد و از او جدا شدم. خبری از وی نداشتم تا این‌که بازداشت شدم و فهمیدم به قتل رسیده است. در مرگ او نقشی نداشتم و فراری در کار نبود. می‌خواستم برای دیدن خواهرم به ترکیه بروم.
محمد وهابی، بازپرس شعبه دوم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: این مرد به عنوان تنها مظنون اصلی در قتل مرد پولدار در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات از او در اداره دهم پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.

اطفائیه

آتش‌زدن ۳ دوست به دلیل اختلاف مالی

پلیس جنایی پایتخت، دنبال مرد جوانی است که با ریختن بنزین روی سه نفر از دوستانش آنها را به آتش کشید و باعث مرگ یکی از دوستانش شد.
به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۱۷ بیست‌وهشتم اردیبهشت امسال، یکی از ماموران کلانتری ونک مرگ مشکوک مردی جوان را در بیمارستان مطهری تهران به بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی اطلاع داد. او و تیم تحقیق در محل حاضر شده و در تحقیقات مقدماتی پی بردند مرد جوانی که فوت شده از ۱۰ روز قبل در آنجا بستری بوده و مرگش به دلیل شدت سوختگی و عوارض ناشی از آن بوده است. دو نفر دیگر هم که با او دچار سوختگی شده بودند همچنان تحت درمان هستند.
برادر مرد فوت شده در جریان تحقیقات پلیسی گفت: برادرم قرار بود برای انجام کاری نزد دوستانش برود، صبح از خانه بیرون رفت و بازنگشت و تلفنش را هم پاسخگو نبود. بعد از آن، یکی از دوستانش به من تلفنی خبر داد که برادرم و دو نفر دیگر از دوستانش دچار سوختگی شده‌اند و آنها را به بیمارستان آورده‌اند. پلیس می‌گفت که آن سه نفر را در ساختمان متروکه‌ای در جنوب شهر پیدا کرده‌اند. برادرم ۱۰ روز بستری بود و سرانجام فوت شد. دو دوستش هم قدرت حرف زدن ندارند که متوجه شویم چه اتفاقی افتاده است.»
تحقیقات ادامه داشت تا این که دو روز قبل ماموران متوجه شدند دو مصدوم حادثه با بهبود حال‌شان، قادر به صحبت هستند. ماموران به تحقیق از دو مرد جوان پرداختند که گفتند دوست دیگرشان یاشار قاتل است.
یکی از مصدومان در جریان تحقیقات گفت: مدتی قبل من، دوست مصدومم، قاتل و مقتول، پس اندازمان را سرمایه‌گذاری کردیم. یاشار سرما کلاه گذاشت و پول‌ها را با خود برد. روز حادثه در ساختمان متروکه‌ای در جنوب تهران قرار گذاشتیم تا مشکلات‌مان را حل کنیم اما دعوای‌مان شد. او بطری بنزینی که همراه داشت را روی ما ریخت و فندک زد. هر سه آتش گرفتیم و او فرار کرد. چند نفر که در آن حوالی بودند متوجه ماجرا شده و اورژانس و آتش‌نشانی را خبر کردند.
محمدجواد شفیعی، بازپرس شعبه پنجم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: با به دست آمدن هویت قاتل فراری، تحقیقات ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران برای یافتن او ادامه دارد.

پیگیری

بدرقه باشکوه جوان فداکار

پسر کشاورز که در جریان نجات زوج سالخورده، آسمانی شده بود با حضور گسترده اهالی الشتر تشییع شد

پس از علی لندی، نوجوان ۱۵ ساله ایذه‌ای که در حادثه آتش‌سوزی جان چند زن میانسال را نجات داد و خود بر اثر شدت سوختگی فوت شد، این بار محمد آقاحاجری، جوان ۳۴ ساله و فداکار خرم‌آبادی با از خودگذشتگی به دل آتش زد و جان یک زن و شوهر کهنسال روستایی و دخترشان را از مرگ نجات داد. محمد هم مثل علی، زندگی‌اش را فدای همولایتی‌هایش کرد و خود آسمانی شد.
اهالی روستای پرسک علیا در شهرستان سلسله لرستان، این روزها عزادار جوانی هستند که با فداکاری خود، یاد و خاطره علی لندی را دوباره در یادها زنده کرد. محمد هم در آن لحظات سرنوشت‌ساز، همان تصمیمی را گرفت که علی پارسال گرفت. هر دو سخاوتمندانه از جان‌شان گذشتند تا هموطنان‌شان زنده بمانند. نیمه شب پنجشنبه هفته گذشته آقاسیدنبی و خیرالنسا خانم، همراه با دخترشان در خانه خوابیده بودند اما نمی‌دانستند تا دقایقی دیگر، جهنمی سوزان در خانه‌شان به پا خواهد شد. پدر و مادر خواب بودند اما دختر خانواده کمی احساس خفگی کرد. او فکر می‌کرد این حالت طبیعی است اما هوش و حواسش که سرجایش آمد، تازه متوجه صدای داد و بیداد همسایه‌ها شد که همه با فریاد می‌گفتند کجایید که خانه‌تان آتش گرفته است. کانون آتش‌سوزی، انباری چسبیده به خانه بود. درست در لحظه‌ای که آتش‌سوزی تازه شروع شده بود، محمد، همراه برادر و پدرش مشغول آبیاری زمین‌های‌شان بود. به محض این‌که متوجه گرگرفتن آتش در خانه آقا سیدنبی شدند، هراسان به آنجا رفتند تا اهل خانه را از مرگ حتمی نجات دهند. آتش لحظه به لحظه گسترده‌تر می‌شد و چیزی نمانده بود ایزوگام پشت‌بام خانه هم آتش بگیرد و اوضاع را وخیم‌تر کند.
سیدنیما حسینی‌فرد، پسر آقا سیدنبی از شب حادثه برای جام‌جم تعریف می‌کند: «پدرم می‌گوید روی پشت‌بام بودم و می‌خواستم از آن بالا آب روی آتش بریزم که خاموش شود. یکدفعه محمد را دیدم که روی پشت‌بام آمد و لباسم را از پشت گرفت و گفت عمو چرا اینجایی خطرناک است جلو نرو. محمد مرا پایین برد و من هم به محمد گفتم تو هم بیا پایین. بعد هم گفت به حیاط می‌روم تا به مردم روستا در خاموش کردن آتش کمک کنم. محمد در خانه را زد و مادرم در را به رویش باز کرد. مادرم اول فکر کرد من هستم و به محمد گفت پسرم کی از خرم‌آباد آمدی که محمد در جواب گفت خاله، من محمد هستم و خانه‌تان آتش گرفته‌است. خواهرم هم در این مدت، شیرگاز را بسته و برق را قطع کرد اما نمی‌دانست برق خانه‌های بالایی جداست و فراموش کرد برق آنها را قطع کند. محمد وارد خانه شد و با سطل آب سعی کرد آتش را خاموش کند. چند بار سطل آب را خالی کرد و در همین رفت و آمدها بود که ناگهان پایش لیز خورد و به پشت روی زمین افتاد و همان لحظه گفت برق مرا گرفت. خواهرم می‌گوید همان موقع چنگ انداختم و کل سیم‌ها را با هم قطع کردم. مردم روستا سعی کردند به محمد تنفس مصنوعی دهند، اما متاسفانه افاقه نکرد.»

محمد، مردانگی را معنا کرد

در حالی که اهل خانه آقا سیدنبی و مردم روستا تلاش می‌کردند آتش را خاموش کنند، دختر آقاسیدنبی با برادرش نیما تماس گرفت و او را در جریان حادثه قرار داد. برادر هم به محض شنیدن خبر به سمت خرم‌آباد حرکت کرد. در میانه راه بود که به او خبر دادند محمد دچار برق‌گرفتگی شده و تمام کرده است. حسینی‌فرد ادامه داد: «در بیمارستان، برادر و پدر محمد بالای سرش بودند و گریه می‌کردند. برادر محمد وقتی مرا دید، خودش را در آغوشم انداخت و گریه کرد. پدرش هم انگشتش را نشانم داد و گفت امضا دادم که این اتفاق چطور افتاده است. با وجود این حادثه و از دست دادن محمد، ما چیزی جز عزت و احترام از خانواده او ندیدیم.»
او در مورد علت آتش‌سوزی گفت: «مشخص نیست اما به احتمال زیاد، علت آتش‌سوزی، پوسیدگی سیم‌های برق انباری بوده که آتش به خانه هم سرایت کرده است. پدر و مادرم جز یک مشکل کوچک تنفسی به دلیل استنشاق دود، مشکل خاص دیگری ندارند. محمد، پسر بسیار خوش‌قلب و مهربانی بود و ما از کودکی با هم بزرگ شدیم. او همراه خانواده‌اش در خرم‌آباد زندگی می‌کرد، اما چون در روستا هم خانه داشتند، فصل زراعت که می‌شد به روستا می‌آمد و به خانواده‌اش کمک می‌کرد. هرگز فکر نمی‌کردم چنین سرنوشتی در انتظار محمد باشد.»

برادرم، زوج سالخورده را نجات داد

برادر داغدیده محمد در این باره به خبرنگار جام‌جم گفت: «برادرم آخرین فرزند خانواده‌مان بود. ۳۴ سال داشت و با خانواده‌ام در خرم‌آباد زندگی می‌کرد. نیمه شب چهارشنبه هجدهم خرداد امسال من و برادرم برای آبیاری مزرعه به روستا رفته و مشغول کار بودیم که همسرم با عجله خودش را به ما رساند و در حالی که وحشت‌زده بود گفت انبار خانه زوج سالخورده آتش گرفته و آنها در محاصره آتش قرار گرفته‌اند. برادرم که این حرف‌ها را شنید سریع‌تر از من خودش را به آنجا رساند. انبار علوفه کنار خانه آن زوج آتش گرفته و در حال سرایت به خانه‌شان بود. همسایه‌ها آمدند و با پتو و بیل سعی کردند آتش را خاموش کنند اما شعله‌های آتش همچنان سرکش بودند. تا حضور آتش‌نشان‌ها امکان داشت این زوج جان خود را از دست بدهند، به همین خاطر برادرم خودش را به دل آتش زد و ابتدا پیرمرد و بعد پیرزن را بیرون آورد. بعد سعی کرد آتش را خاموش کند که دچار برق‌گرفتگی شد. ابتدا سعی کردم اورا احیا کنم که نشد. پیکر او روز جمعه با حضور پرشور اهالی تا خانه ابدی بدرقه شد.»

تلنگر

پرداخت دیه، تاوان رفیق‌کشی

مرد افغان که هموطنش را در دعوایی بچگانه به قتل رسانده بود، به دیه محکوم شد.
به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از سال ۹۶ و با گزارش درگیری خونین در پاساژی حوالی بازار تهران آغاز شد. با حضور ماموران در محل مشخص شد، مردی ۳۰ ساله به نام نریمان در این درگیری خونین زخمی شده که بعد از انتقال به بیمارستان جان باخته است.
در تحقیقات میدانی مشخص شد، عامل درگیری شاگرد یکی از مغازه‌ها به نام حجت است که شناسایی و دستگیر شد. متهم چندی قبل در دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه قرار گرفت. با توجه به شناسایی نشدن خانواده مقتول از طرف آنها درخواست دیه مطرح شد. متهم نیز با قبول اتهامش گفت: من و نریمان اهل افغانستان هستیم و چند سال قبل برای کار به ایران آمدیم. یک روز سر موضوعی بچگانه با هم درگیر شدیم. روز حادثه وقتی به محل کارم آمدم، صاحب مغازه گفت نریمان، ۱۵ بار با تلفن مغازه تماس گرفته است. چند دقیقه بعد هم مقابل مغازه آمد و شروع به داد و فریاد کرد. چون خیلی ترسیده بودم چاقو کشیدم و سه ضربه چاقو به او زدم و فرار کردم.
در پایان قضات وارد شور شده و متهم را به پرداخت دیه محکوم کردند. این حکم دیروز در دیوان عالی کشور مهر تائید خورد.

۳ کشته در واژگونی اتوبوس

واژگونی یک دستگاه اتوبوس در جاده بجستان-فیض آباد منجر به مرگ سه نفر شد.
محمد جواد امیری، رئیس اورژانس پیش بیمارستانی دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه در این باره گفت: ساعت ۷ و ۲۸ دقیقه صبح شنبه دقیقه با تماس مردم با مرکز ارتباطات و فرماندهی عملیات اورژانس شهرستان مبنی بر واژگونی یک دستگاه اتوبوس مسافربری در ۲۵ کیلومتری شهر فیض آباد بلافاصله عوامل امدادی از پایگاه‌های میان دهی، یونسی، فیض آباد، مهنه، ازغند، اتوبوس آمبولانس و هلال احمر و بالگرد اورژانس گناباد به محل اعزام شدند.
اتوبوس از مبدأ کرمان به مشهد با ۳۱ مسافر در حال حرکت بوده که در این حادثه ۳ نفر به‌دلیل شدت حادثه در دم جان باختند. در این حادثه ۲۸ نفر مصدوم شدند.

مرگ مشکوک پرستار

همزمان با کشف جسد پرستار جوان در سرویس بهداشتی بیمارستانی در پایتخت، تحقیقات برای رازگشایی از مرگ او آغاز شد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۱۸ جمعه بیستم خرداد امسال وقوع مرگ مشکوک خانمی جوان در یکی از بیمارستان‌های پایتخت به بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران گزارش شد. با دستور وی، ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران به محل اعزام شده و مشاهده کردند زن فوت‌شده پرستار همان بیمارستان بوده و جسد وی در سرویس بهداشتی آنجا پیدا شده است. این در حالی بود که در جریان تحقیقات معلوم شد ساعاتی از مرگش گذشته است. همچنین در کنار جسد یک سرنگ نیز کشف شد. معلوم نبود او به قتل رسیده یا خودکشی کرده است. بنابراین به تحقیقات از همکاران وی ادامه دادند که مشخص شد آن روز شیفت کاری پرستار بوده که به سمت سرویس بهداشتی رفته و دیگر کسی او را ندیده است. بعد از این‌که خبری از او نشده به جست‌وجو پرداختند و وی را در سرویس بهداشتی بیمارستان پیدا کردند.
ساسان غلامی، بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران با تائید این خبر به جام‌جم گفت: با اطلاعات به دست آمده از همکاران زن فوت شده، قرار شد از خانواده‌اش نیز تحقیقات لازم انجام شود. همچنین پزشکی قانونی علت مرگ مشکوک او را مشخص کند.

سیلاب مرگبار کلات

سیلاب رودخانه در مسیر مشهد-کلات منجر به مرگ راننده و ناپدید شدن همسر وی شد. رئیس پلیس‌راه خراسان رضوی به سایت پلیس گفت: گرفتار شدن یک دستگاه خودروی سواری در سیلاب روز جمعه در منطقه گوجگی در مسیر مشهد- کلات سبب مرگ مرد راننده شد، جسد همسر وی هنوز پیدا نشده است. این خودرو هنگام بارندگی در بستر رودخانه متوقف بود.